

باسمه تعالی

- ۲ **مقدمه واجب**
- ۲ **اقوال وجوب مقدمه واجب**
- ۲ بررسی قول مرحوم شیخ
- ۲ وجه اول قول مرحوم شیخ: تحقق عنوان مقدمه با قصد توصل
- ۲ نیاز به موصله بودن مقدمه برای تحقق عنوان مقدمیت
- ۳ از عناوین قصدیه نبودن مقدمه
- ۳ وجه دوم قول مرحوم شیخ
- ۴ حصول غرض از اتیان مقدمه و واجب نبودن مقدمه
- ۴ حصول غرض در صورت وجوب داشتن مقدمه
- ۴ حصول غرض و وجوب نداشتن مقدمه به خاطر فقد شرط
- ۵ مختار استاد: لازم نبودن قصد توصل
- ۵ نکته اول: فرق بین ادعای مرحوم صاحب معالم و مرحوم شیخ
- ۵ نکته دوم: عدم تلازم لزوم قصد توصل و قربی شدن مقدمه

موضوع: بررسی قول مرحوم شیخ انصاری / اقوال وجوب مقدمه واجب / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

این جلسه حاوی خلاصه مطالب جلسه قبل هست؛ لذا از نوشتن خلاصه مطالب خودداری شده است.

مقدمه واجب

اقوال وجوب مقدمه واجب

بررسی قول مرحوم شیخ

وجه اول قول مرحوم شیخ: تحقق عنوان مقدمه با قصد توصل

بحث در وجه اولی بود که مرحوم شیخ برای اثبات قصد توصل در مقدمه واجب استدلال کرده بود. وجه اول این بود: وجوب به عنوان مقدمه تعلق گرفته است و تحصیل این عنوان فقط با قصد توصل محقق می‌شود؛ پس واجب، مقدمه‌ای است که قصد توصل بشود.

ادعای مرحوم شیخ مشتمل بر دو مقدمه است و مرحوم حاج شیخ اصفهانی این دو مقدمه را توضیح داده است. مقدمه اول این بود: مرکب وجوب، ذات این افعال نیست؛ بلکه این افعال به عنوان مقدمه تعلق گرفته است. مثل این که وجوب به عنوان تعظیم تعلق گرفته است و صرف قیام بدون قصد تعظیم، فایده‌ای ندارد. مرحوم خویی فرمود: کبری را قبول داریم؛ ولی صغری ندارد و ما گفتیم بحث در مورد حکم عقل اصطلاحی فلاسفه نیست و ربطی به ان الحیثیات التعلیلیه فی الاحکام العقلیه حیثیات تقییدیه فی الاحکام الشرعیه ندارد.

مقدمه دومی که مرحوم اصفهانی فرموده است این است: وقتی که وجوب به مقدمه تعلق گرفت، مقدمه یک فعل اختیاری است و وقتی فعل اختیاری محقق می‌شود که از اختیار و اراده‌ی فاعل صادر شده باشد. اگر فاعل اراده‌ای نسبت به مقدمه ندارد، فعل به فاعل منتسب نمی‌شود؛ پس باید مکلف قصد توصل بکند. اگر قصد توصل نکند، عنوان مقدمه در خارج محقق نشده است.

نیاز به موصله بودن مقدمه برای تحقق عنوان مقدمیت

به نظر ما لازمه تحقق عنوان مقدمیت فقط این نیست که مقدمه به قصد توصل واجب است؛ بلکه علاوه بر قصد توصل نتیجه‌اش این است که موصله بودن مقدمه هم لازم است؛ لذا اگر وجوب بر عنوان مقدمه مترتب شده باشد و باید اختیاری هم صادر بشود، تا موصله نباشد، عنوان مقدمه محقق نشده است؛ پس مجرد قصد توصل برای تحقق عنوان مقدمه کافی نیست.

از عناوین قصديه نبودن مقدمه

این که مرحوم اصفهانی فرمود: متعلق حکم باید اختیاری باشد، درست است و این که فرمود: وقتی فعل اختیاری به فاعل انتساب پیدا می‌کند که از قصد صادر شده باشد درست است؛ اما این که نتیجه گرفت که قصد مقدمیت لازم است، صحیح نیست. مثلاً کسی که شرب خمر می‌کند هر چند که قصد شرب خمر ندارد و فکر می‌کرد که آب است؛ ولی وقتی که از روی اختیار می‌نوشد، صدق شرب خمر می‌کند، هر چند که از روی جهل بوده است.

سرّ مطلب این است که عناوین ما دو قسم هستند. یک سری عناوین، قصديه هستند و منوط به قصد عنوان هستند، مانند عنوان تعظیم. اگر قیام، بدون قصد تعظیم باشد، صدق تعظیم نمی‌کند. انشائیات نیز از عناوین قصديه هستند. بعضی از موارد هم از عناوین قصديه نیستند، مثلاً در شرب خمر چه قصد آن بشود و چه نشود، شرب خمر صدق می‌کند؛ چون از عناوین قصديه نیست. بله؛ در بعضی موارد اختلاف وجود دارد.

اگر از اول ادعا شود که عنوان مقدمیت از عناوین قصديه است، صحیح نیست؛ بلکه صرف نصب سلم مقدمه است، چه قصد بشود و چه قصد نشود (این مطلب را مرحوم شیخ و اصفهانی قائل نیستند) اگر گفته شود که قصد توصل به خاطر این است که متعلق وجوب فعل اختیاری است و فعل اختیاری باید از روی قصد صادر بشود، نتیجه نمی‌دهد که مقدمه از عناوین قصديه است.

نتیجه: ادعای مرحوم شیخ و مرحوم اصفهانی صحیح نیست. نه وجوب به عنوان مقدمه تعلق گرفته است و نه مقدمه از عناوین قصديه است. شاید ظاهر کلام مرحوم آخوند این است که مقدمه دوم را قبول دارد؛ زیرا کلام ایشان متمرکز در رد مقدمه اول شده است. به نظر ما مقدمه دوم هم تمامیت ندارد. شاید مقدمیت مانند شرب خمر باشد و هر چند که قصد توصل نشود، مقدمیت، محقق می‌شود.

وجه دوم قول مرحوم شیخ

مرحوم شیخ انصاری فرموده است: اگر مولای عرفی عبدش را به ذی المقدمه ای امر کند، مثلاً گوشت خریدن را به عبد دستور دهد و عبد هم مثلاً ثمن را که مقدمه اشتراء لحم است تهیه کرد و این مقدمه را بدون قصد توصل تحصیل کرد، عرف

^۱ تعبیر به وجه به خاطر کلامی است که مرحوم شیخ دارد. زیرا ایشان در ابتدای این دلیل فرموده است: چیزی که کشف از حقیقت قول مختار می‌کند..... ظاهر کشف این است که این مطلب دلیل دوم است نه این که به عنوان موید برای قول مختار مرحوم شیخ مطرح شده باشد.

^۲ مطارج الانظار، الکلاتری الطهرانی، المیرزا أبو القاسم، ج ۱، ص ۳۵۶.

نمی‌گوید که واجب را امتثال کرده است لذا کشف می‌شود که واجب، مشروط به قصد توصل است؛ هر چند که ذی المقدمه امتثال نشود؛ اما اگر به قصد توصل ثمن را پیدا کرد، عرف می‌گوید اتیان به واجب کرده است.

حصول غرض از اتیان مقدمه و واجب نبودن مقدمه

در ادامه فرموده است: به فعل شخصی که قصد توصل نکند، امتثال صادق نیست، هر چند که غرض حاصل شده است؛ پس با این که وجوب نداشت؛ اما غرض حاصل شده است. در حقیقت از بین رفتن وجوب گاهی اوقات به خاطر حصول غرض است و گاهی اوقات به خاطر امتثال (قصد امر) است و گاهی اوقات به خاطر عصیان است. مرحوم شیخ انصاری فرموده است: اگر قصد توصل بشود امتثال است و اگر نشود غرض حاصل شده است.

حصول غرض در صورت وجوب داشتن مقدمه

مرحوم آخوند فرموده است: نمی‌شود غرض از ایجاب، بدون قصد توصل حاصل بشود؛ ولی وجوب نداشته باشد. ان قلت: در مقدمه حرام غرض هست؛ ولی واجب نیست و حرام است. مثلاً کسی که برای انقاز غریق در دار غضبی تصرف می‌کند، غرض حاصل شده است و وجوب ندارد. در این جا وجوب ندارد؛ ولی غرض حاصل شده است. قلت: قیاس مع الفارق است. در مقدمه محرمه هر چند که ملاک هست؛ ولی مانع وجود دارد و حرمت مانع از وجوب است؛ اما در محل کلام مقتضی وجود دارد و مانع هم مفقود است؛ پس باید وجوب داشته باشد؛ پس این که مرحوم شیخ می‌فرماید: غرض حاصل شده است و وجوب ندارد، صحیح نیست. اگر بدون قصد توصل غرض حاصل شده است؛ پس باید وجوب هم به چنین مقدمه ای تعلق گرفته است.

حصول غرض و وجوب نداشتن مقدمه به خاطر فقد شرط

این که مرحوم آخوند فرمود: مقتضی وجود دارد (حصول غرض) و مانع ندارد (حرمت وجود ندارد) پس باید وجوب داشته باشد، صحیح نیست؛ زیرا شیخ جواب می‌دهد که برای وجوب یک شرط در ارتکاز عقلاء وجود دارد؛ یعنی علاوه بر این که وجوب باید غرض داشته باشد و مانع نداشته باشد، باید این شرط را داشته باشد که باید قصد توصل هم بشود. مرحوم آخوند باید در این مرحله بحث کند که آیا قصد توصل شرط هست یا نه؟ اصل رد مرحوم آخوند صحیح است اما صیاحت ایشان صحیح نیست.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۴.

مختار استاد: لازم نبودن قصد توصل

ما به وجدانمان که مراجعه می‌کنیم، می‌یابیم که وقتی ذی المقدمه را اراده می‌کنیم، اراده ذات مقدمه را داریم و غافل از قصد توصل هستیم. همین که صعود علی السطح به ذهنمان می‌آید، ذات نصب سلم را اراده می‌کنیم و قصد توصل به ذهنمان نمی‌آید. البته این ادعا خیلی واضح نیست.

نتیجه: مقتضای دلیل وجوب مقدمه، قصد توصل نیست.

نکته اول: فرق بین ادعای مرحوم صاحب معالم و مرحوم شیخ

فرق بین ادعای مرحوم شیخ و صاحب معالم چیست؟ ممکن است گفته شود: اراده ذی المقدمه همان قصد توصل است. مرحوم خویی فرموده است: این دو قول با هم تفاوتی ندارند، فقط شیخ انصاری می‌فرماید: شرط واجب است و صاحب معالم می‌فرماید: شرط وجوب است. به نظر ما بین این دو قول فرق وجود دارد. مرحوم صاحب معالم می‌فرمود: در حالی که اراده ذی المقدمه شده است، مقدمه وجوب دارد؛ یعنی ممکن است مکلف اراده ذی المقدمه را داشته باشد؛ پس نصب سلم واجب است هر چند که قصد توصل نداشته باشد. همین که اراده ذی المقدمه وجود دارد، عبد خویی است و مقدمه واجب است، حال یا به قصد توصل اتیان می‌شود و یا بغیر از قصد توصل مقدمه اتیان می‌شود. اراده ذی المقدمه یک مطلب است و قصد توصل مطلب دیگری است.

نکته دوم: عدم تلازم لزوم قصد توصل و قربی شدن مقدمه

این که مرحوم شیخ می‌فرماید قصد توصل، قید واجب است و بدون قصد توصل واجب محقق نمی‌شود، نمی‌خواهد بگوید که همه مقدمات قربی هستند و قصد قربت شرط است. مراد مرحوم شیخ این است که قصد توصل برای تحقق عنوان مقدمه است و مصداق واجب تحقق پیدا کند، نه برای این که امر مقدمی امتثال شود. حتی شیخ در توصیلات این ادعا را دارد؛ یعنی ممکن است قصد توصل داشته باشد ولی قصد قربت نداشته باشد. مثلاً ممکن است قصد توصل به پشت بام داشته باشد؛ ولی نه برای خدا؛ بلکه برای اغراض دیگر این کار را انجام دهد. نصب سلم برای رفتن به پشت بامی که مولا امر کرده است، عبادی است و اگر نصب سلم برای رفتن به پشت بام برای اغراض دیگر باشد عبادی نیست.